

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

سید موسی هتمان هستی

۲۰ دسمبر ۲۰۱۱

قول مردی

دوست دانشمند، شاعر توانا و مبارز زندان دیده آقای "احمد عاکفی" عزیز آنچه که با شما وعده کرده بودم با رنگ قلم غسل دادم و در کفن کاغذ پیچیدم، بر صندوق قول مردی گذاشتم، بر شانه شگسته وزن قرار دادم تا با پای قافیه همراهی کاروان شعر شما را کند. از گمان بدی که به من کارونیان داشتند بدانند که من شبخون زن نبودم با سلاح قلم روی کاروان شعر را گرفته بودم. این یادداشت را به خاطری نوشتم تا کارونیان مرا بعد مرگم مرد نیمه راه نخوانند فلسفه من این است که نباید دشمن را از پشت زد.

قول مردی

به من گفت عاکفی خاموش
جائی که من باشم
درون مسجد و میخانه یا که
در انجمن باشم
بگفت افسانه گشتی بعد از این
خاموش باید بود
هدفش این بود
چودیه وانه باخود
درسخت باشم
بگفت دست بردارو
نشین در گوشه
میخانه آرام
بود روح سخن اینجا که

مشغول خوښتن باشم
گلاب سخن پږمړده گرديده
درگلدان دهن امروز
نه هرجا و
نه درکاروان شعر
من نقل دهن باشم
بخنده گفت از
جواني تا پيري
از پيري تا به كي
از آن بهترکه من زنده
درتابوت و
زيركفن باشم
به تو من وعده دادم عاكفي
اين قول مردی را
به سر تیشه تلخی زنم
مثل كوهكن باشم
فشاردوستان نيست كمتر از غربت
زنم مهر بردهن خویش
اگر دركانادا يا
دروطن باشم
درون انجمن باشد بوی خوش هستی
بگوهرچه تو می گویی
ليك من
مشك ختن باشم